حل تعارض به قصد زیاده در ماه رمضان

جمعش این است که روایت اول نگاه به واقع و احراز واقع دارد. من می‌خواهم واقع یوم الشک و صوم ماه مبارک را احراز کنم، احب چیست؟ «اصوم یوما من شعبان احب من ان افطر رمضان واقعی». هر دوی آن‌ها هم می‌توانند ناظر به واقع باشد. اما واقعی که بیشتر از یکی از این دو نیست. اصوم یوما از شعبان واقعی که مستحب است، احب الی‌ّمن افطر یوما از شهر رمضان واقعی که واجب است. وجوبش بالفعل است ولو منجز نباشد و بعدا ًباید قضا شود. علی ای حال هم خدای متعال بالفعل –به‌عنوان انطباق قهری- از من می‌خواهد، بدون اشتراط به علم من. فعلیت حکم می‌شود بدون اشتراط به علم من.

> 14:30

این روایت دوم متحیث است به «ازید». خب روایتی که متحیث است، حیثیتش متمحض در آن است. تنها برای این‌جا می‌شود. نه برای آن کلی. پس روایت دوم که متحیث است، ناظر به احراز واقع نیست. آن مطلق بود، نگاه طبیعی افراد به احراز واقع دارد. «افطر» یعنی احراز واقع. اما این روایت چون متحیث به «ازید» است نگاه نگاهی عنوانی غیر از احراز واقع است. یعنی من چه کار دارم به این‌که درواقع ماه مبارک هست یا نیست. اگر واقعا ًهم ماه مبارک باشد، افطار آن ماه واقعی بهتر از عنوان ثانوی «ازیده فی شهر رمضان» است. این تحیث در روایت دوم کاملا ًدارد به آن حیثیت تقییدیه می‌دهد. یعنی الآن من عنوان دیگری را نگاه می‌کنم به واقع چه کار دارم؟ و حال آن‌که اگر نگاه به واقع بود که نمی گفتم «افطر یوم شهر رمضان»! ماه مبارک را افطار بکنیم و حال آن‌که واقعا ًماه مبارک است؟! منافات ندارد.

شاگرد: منظور شما این است که زیاده قصدی است؟ اگر زیاده یک چیز واقعی باشد واقعا ًدارد اتفاق می‌افتد.

استاد: ما که نمی‌توانیم درواقع دست ببریم. ای ماه مبارک است که زیاد نکرده‌ایم. ای شعبان است که باز هم زیاد نکرده‌ایم.

شاگرد: روزه گرفتن من؟

استاد: روزه گرفتن من هم همین‌طور است. اگر شعبان است زیاد نکرده‌ام. اگر ماه مبارک است باز هم زیاد نکرده‌ام. «ازیده» یک عنوانی است که حضرت آن را برای این قرار می‌دهند که بگویند احراز واقع منظور من نیست. نمی‌خواهم واقع را احراز کنم. ولو افطار ماه مبارک است اما نمی‌خواهم. «احب الی‌ّان افطر».

شاگرد۲: حاکمیت امیرالمؤمنین که در جامع تصویر دارد، ممکن است روایت به این خاطر بوده باشد؟

استاد: انشاءالله این مطلب را در ضمیمه شافعی عرض میکنیم. شافعی میگوید «فامر الناس ان یصوموا». اجازه بدهید من مقدماتی را بگویم. آن هم مطلب خوبی است.

فعلاً شروع کار این است که در روایت دوم تحیثی هست که آن را از دید احراز واقع در میآورد. حالا به فرمایش آقا این تحیث به نیت است؟ یا به واقع زیاد کردن است؟ کدام یکی از اینها است؟ ایشان که در اینجا جمع کردهاند فرمودهاند:

> **در این دو روایت یک جمع که روشن است این مطلب است که در روایت اول نیت خصوص شعبان یا رمضان را نمی کند بلکه یک روز را روزه میگیرد که اگر واقعا شعبان بود روزه مستحبی شعبان حساب می شود و اگر ماه رمضان بود از آن محسوب می شود و منظور روایت اول از اصوم و افطر، هر دو واقعی است. اما در روایت دوم با توجه به ازدیاد منظور این است که شخص نیت رمضان کند. این جمع شواهد متعددی در روایات دارد[1]**

«این جمع شواهد متعددی در روایات دارد»؛ که منظور نیت باشد. من تنها سه موید پیدا کردم. اگر مورد دیگری هم نظرتان هست بفرمایید. سه شاهد برای چه چیزی؟ برای اینکه مقصود از «ازدیاد» نیت باشد. **«لان افطر یوما من شهر رمضان احب الی من اصوم یوما من شهر شعبان ازدیاد»**؛ ازدیاد به اینکه نیت ماه مبارک میکنم. به اینکه «اصوم علی انه من شهر رمضان». دومی که واقعاً برای شعبان است، با این نیت اینجا «ازدیاد فی شهر رمضان». ازدیاد بنیاد خودم. دوم الشکی که نمیدانم. اگر منظور این باشد، میگویند شواهدی دارد. من سه شاهد را عرض میکنم. در همین ابوابی که هستیم... .

شاگرد: این جمعی که ایشان میفرمایند با بیان مرحوم فیض چه فرقی دارد؟ ایشان هم همین را گفتند.

استاد: من الآن وجوه را میگویم. به اینکه کدام یکی از این وجوه مقدم است، میرسیم. دو-سه وجه دیگر در ذهنم هست که عرض میکنم. وجوه را عرض میکنم تا ببینیم کدام یکی از آنها اولویت دارد. فعلاً مسأله نیت است. یکی «ازدیاد» بود که احتمالش را دادند. یعنی «ازدیاد» تکوینی. اینکه «ازدیاد» تکوینی به چه صورت میشود، آن هم با عنوانی ثانویه، توضیحش را عرض میکنم.

من میخواهم شواهد نیت را عرض کنم. در اینکه مقصود از «ازدیاد» نیت است. یعنی اینکه شما نیت شهر رمضان میکنید اینجا حضرت میگویند نمیشود؛ برای من احب نیست که اینچنین نیتی را انجام دهم. شاهدش کجا است؟

---

[1] http://amafhhjm.ir

بازبینی #1
ایجاد شده 8 ژوئن 2026 13:49:33 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژوئن 2026 13:51:52 توسط ... .